

## مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری

محسن محبی<sup>۱</sup>  
وحید بذآر<sup>۲</sup>

### چکیده

مطابق بند دوم ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد، اگر طرف اختلاف از انجام تعهدات ناشی از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری امتناع کند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت مراجعه نماید و شورا اگر لازم بداند توصیه‌هایی ارائه یا تصمیماتی را در مورد اجرای رأی اتخاذ خواهد نمود. شورا در پاسخ به درخواست دولت محکوم‌له، اختیار تام دارد؛ اما اگر درخواست را بپذیرد، نباید رأی دیوان را به‌لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار دهد. همچنین، شورا ملزم نیست برای اقدام بر اساس ماده ۹۴(۲)، وضعیت‌های تهدید علیه صلح، نقض صلح یا تجاوز (ماده ۳۹) را احراز کند و در نوع توصیه‌هایی که پیشنهاد می‌کند یا تدابیری که اتخاذ می‌کند، اختیار کامل دارد. اعضاء دائم شورا در موارد بررسی درخواست اجرای آراء دیوان، هیچ منعی برای اعمال حق و تو ندارند؛ اما این که آیا کشور عضو شورا که طرف اختلاف و رأی دیوان بوده، می‌تواند در رأی‌گیری شورای امنیت شرکت کند یا نه اختلاف نظر وجود دارد. در عمل نیز با این که تاکنون چهار بار موضوع اجرای تصمیم دیوان در شورا مطرح گردیده، تلاش قابل توجهی از سوی این ارگان سیاسی سازمان ملل متحد در راستای اجرای آراء رکن قضایی سازمان انجام نشده است. رویکرد منفعلانه شورا در تضمین اجرای آراء دیوان که بدون تردید یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف در روابط بین‌الدولی است، مغایر با کارکرد اصلی شورا - مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - است و ضروری است که شورا از قابلیت‌های ماده ۹۴(۲) منشور برای انجام مناسب‌تر و وظیفه اصلی خود استفاده کند.

**کلیدواژه‌ها:** دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای امنیت، ماده ۹۴(۲) منشور، رأی، دستور موقت.

<sup>۱</sup> - دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول: sd.mohebi@gmail.com  
<sup>۲</sup> - دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (vahidbazzar@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

DOI: 10.22067/ijip.v8i2.80275

نوع مقاله: پژوهشی

## Recourse to the UN Security Council for the Purpose of Implementing the International Court of Justice judgments

**Mohsen Mohebi<sup>1</sup>**

Associate professor, Islamic Azad University, Sciences and Researches Branch of Tehran

**Vahid Bazzar**

Ph.D of International Law, Allameh Tabataba'i University

### Abstract

In accordance with article 94(2) of the charter of United Nations, If any party to a case fails to perform the obligations incumbent upon it under a judgment rendered by the Court, the other party may have recourse to the Security Council, which may, if it deems necessary, make recommendations or decide upon measures to be taken to give effect to the judgment. The Council has the full authority in response to the request of the beneficiary of judgment. However, if it accepts the request, it should not review The Court's judgment in merit. Also, the Council is not required to take into account threats to peace, violations of peace or aggression (article 39) for action according to article 94(2), and has the full authority in the type of recommendations it propose or measures it adopt. Permanent members of the Council shall not have any prohibition to veto. However, there are disagreements about whether a member of the Council that is a party to the dispute and the judgment of the Court can participate in voting in the Security Council. In practice, although the issue of the implementation of the judgment of the Court in the Council has been raised four times, no significant efforts have been made by the United Nations political organ in the implementation of judgments of the UN's judicial organ. The Council's passive approach to ensuring the implementation of the Court's judgment, which is undoubtedly one of the most important ways to resolve peaceful dispute settlement in interstate relations, is contrary to the Council's primary function, the primary responsibility for the maintenance of international peace and security, and it is required for Council to use the capacities of Article 94(2) of the Charter to implement appropriately its primary duty.

**Keywords:** International court of justice, Security council, Article of 94(2) of charter, Judgment, Interim order

### مقدمه

بر اساس ماده ۹۴(۲) منشور، اگر طرف اختلاف از انجام تعهدات ناشی از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری امتناع کند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه نماید و شورا اگر لازم بداند

<sup>1</sup>Corresponding Author: sd.mohebi@gmail.com

توصیه‌هایی ارائه یا تصمیماتی را در مورد اجرای رأی اتخاذ خواهد نمود. همان‌طور که خود ماده نیز تصریح دارد، این مقرر در راستای اثربخشی به آراء دیوان پیش‌بینی شده است. البته، شورای امنیت می‌تواند از ماده (۲)۹۴ منشور در راستای تحقق وظایف و نیل به اهداف خود نیز بهره‌بردار؛ زیرا دیوان به‌عنوان رکن قضایی سازمان ملل برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، می‌تواند با رسیدگی و صدور رأی در اختلاف‌ها و دعاوی میان بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی (دولت‌ها)، به کاهش تنش‌ها و اختلاف‌ها و درنهایت، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک نماید و با استفاده مناسب از اختیاری که در ماده (۲)۹۴ برای آن پیش‌بینی شده، در راستای انجام مسئولیت اصلی خود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است،<sup>۱</sup> حرکت نماید. همچنین، با این که آراء دیوان تنها برای طرف‌های اختلاف و در محدوده همان قضیه، الزام‌آور است،<sup>۲</sup> قطعنامه شورا در راستای اجرای آراء دیوان می‌تواند همه دولت‌ها را ملزم به رعایت و احترام به رأی دیوان نماید؛ چرا که تصمیماتی که شورا اتخاذ می‌کند، تعهدات ناشی از رأی را در واقع به تعهداتی تبدیل می‌کند که بر اساس ماده ۲۵ منشور، برای تمامی دولت‌های عضو ملل متحد لازم‌الاتباع است.

با این حال، در روابط میان شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری ماده (۲)۹۴ منشور هیچ برتری برای شورا در ساختار سازمان ملل متحد ایجاد نخواهد کرد و شورا با توجه به تعهد کلی خود به همکاری با سایر ارکان ملل متحد در این راستا اقدام خواهد کرد (Rosenne & Ronen, 2006, p. 245). در واقع، ماده (۲)۹۴ نه می‌تواند شورا را تا حد یک ارگان فرعی دیوان تنزل دهد (Mosler & Oellers-Frahm, 2007, p. 1970) و نه می‌تواند با معرفی شورا به‌عنوان مرجع پیگیری و تضمین اجرای آراء دیوان، آن را به‌عنوان یک رکن برتر در نظام ملل متحد معرفی نماید.<sup>۳</sup>

#### مراجعه به شورای امنیت برای اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری

سابقه صلاحیت شورا در اقدام درباره اجرای آراء دیوان به یک قرن پیش بازمی‌گردد. برای نخستین بار، در میثاق جامعه ملل که بخشی از معاهده «ورسای» (۱۹۱۹) است،<sup>۴</sup> شورای اجرایی جامعه ملزم شد تا گام‌هایی

<sup>۱</sup> Charter of the United Nations, art. 24(1).

<sup>۲</sup> Statute of International Court of Justice, art. 59; Charter of United Nations, art. 94(1).

<sup>۳</sup> همان‌طور که درخواست شورا از دیوان در خصوص صدور نظریه مشورتی را نمی‌توان برتری دیوان بر شورا تلقی نمود، مراجعه به شورا در جهت اجرای آراء دیوان نیز برتری محسوب نمی‌گردد.

<sup>۴</sup> میثاق جامعه ملل برخلاف منشور سازمان ملل، یک سند مستقل و جداگانه‌ای نیست، بلکه چند ماده در دل معاهده ورسای است.

را به منظور اثربخشی به تصمیمات دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری پیشنهاد نماید.<sup>۱</sup> بعدها این امکان، در ماده ۹۴(۲) منشور ملل متحد با تغییراتی پیش‌بینی شد. از جمله این که مطابق ماده ۱۳ میثاق، شورای جامعه تنها می‌توانست پیشنهادهایی را دربارهٔ اجرای آراء دیوان دائمی ارائه کند و اجرای آراء دیوان دائمی، به عنوان وظیفه و تکلیف شورا قلمداد شده بود و این وظیفه مانع از این نبود که شورا تدابیری را نیز مقرر نماید؛ اما شورای امنیت سازمان ملل که در این زمینه به صورت کاملاً اختیاری و صلاح‌دید عمل می‌کند، هیچ محدودیتی در توصیه و اتخاذ تدابیر یا اتخاذ تصمیم ندارد.<sup>۲</sup>

طرف اختلاف که از اجرای رأی دیوان امتناع می‌کند، غالباً اعتبار آن را به لحاظ ماهیتی یا صلاحیتی به چالش می‌کشد؛ بنابراین، پرسش مهمی که باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا شورا می‌تواند با توجه به ایراد محکوم‌علیه نسبت به اعتبار آن، محتوای آن را مورد بررسی قرار دهد؟ شورا در مقام اقدام نسبت به اجرای آراء دیوان، در جایگاه یک مرجع قضایی عمل نمی‌کند، بلکه هنگامی که یکی از طرف‌های اختلاف، تصمیم دیوان را که به منظور حل و فصل اختلاف صادر شده است، اجرا نمی‌کند، ماهیت اختلاف از حقوقی به سیاسی تغییر می‌کند (Pomerance, 1995, p. 196). افزون بر این، اگر امکان بررسی ماهیتی آراء دیوان از سوی شورا وجود داشته باشد، بند نخست ماده ۹۴ منشور که بر اساس آن، طرف‌های اختلاف ملزم هستند تا تعهدات ناشی از تصمیم‌های دیوان را رعایت کنند، خالی از فایده خواهد شد و آراء دیوان تبدیل به نظریه‌های مشورتی می‌شود که نیاز به تنفیذ شورا دارد (Al-Qahtani, 2003, p. 192). بنابراین، اختیار شورا در مورد اجرای آراء دیوان، به این معنا نیست که شورا می‌تواند آراء دیوان را به لحاظ ماهیتی مورد بررسی قرار داده و سپس نسبت به اعمال اختیار خود تصمیم بگیرد (Tanzi, 1995).

<sup>۱</sup> Covenant of the League of Nations, art. 13.

<sup>۲</sup> در مورد تمایز میان اختیارات شورای جامعه ملل و شورای امنیت سازمان ملل در خصوص اجرای آراء دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری، مواد ۳۶(۵) و ۳۷ منشور در مورد «صلاحیت انتقالی» (Transitional Jurisdiction) ممکن است این پرسش را مطرح کنند که آیین مربوط به اجرای آرائی که با توجه به صلاحیت انتقالی دیوان صادر می‌شوند، به چه صورت خواهد بود؟ با توجه به این که نهادهای اجراکننده آیین پیش‌بینی شده در ماده ۱۳ میثاق، وجود خارجی ندارند، به نظر می‌رسد که انتقال صلاحیت از دیوان دائمی به دیوان فعلی سبب جایگزینی تعهدات ناشی از رأی دیوان که قبلاً تابع ماده ۱۳ میثاق بود، به ماده ۹۴(۲) منشور می‌شود (Rosenne & Ronen, 2006, p. 242).

p. 542<sup>1</sup> این نتیجه‌گیری به واسطه ماده ۶۰ اساسنامه دیوان که آراء دیوان را نهایی و غیر قابل استیناف اعلام می‌کند، تقویت می‌شود. از آنجایی که اساسنامه دیوان جزء لاینفک منشور سازمان ملل است،<sup>۲</sup> تعهد ناشی از ماده ۶۰ اساسنامه دیوان، تعهد ناشی از منشور قلمداد می‌گردد.

ماده (۲)۹۴ منشور محدودیتی را در خصوص دولت مراجعه‌کننده به شورا پیش‌بینی کرده است که سازکار اجرای آراء دیوان را تضعیف می‌کند. طبق این مقرر، حق مراجعه به شورای امنیت تنها برای طرف اختلافی در نظر گرفته شده است که محکوم<sup>۳</sup> است و حتی شورا نیز نمی‌تواند با استناد به ماده (۲)۹۴، «به اختیار خود»<sup>۳</sup> موضوع امتناع از اجرای آراء دیوان را بررسی کند. البته، اگر عدم رعایت رأی دیوان را بتوان ذیل یکی از مواد ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۹ منشور دسته‌بندی کرد، حق توسل به شورای امنیت برای اجرای آراء دیوان تنها به طرف اختلاف منحصر نمی‌شود و این امکان برای سایر دولت‌ها و حتی سایر ارگان‌های اصلی ملل متحد نیز قابل تصور است (Rosenne & Ronen, 2006, p. 247). با این حال، هیچ دلیلی وجود ندارد که دولت‌های منتفع از رأی دیوان را تنها منحصر به دولت‌های عضو ملل متحد بدانیم و حتی دولت‌های غیر عضو سازمان که با توجه به شرایط پیش‌بینی شده در ماده (۲)۹۴ منشور به دیوان مراجعه می‌کنند نیز می‌توانند در خصوص اجرای آراء دیوان به شورا متوسل شوند. نکته تأمل‌برانگیز، تعیین طرف منتفع از رأی در مواردی است که دیوان ضمن رأی خود تعهداتی را برای هر دو طرف اختلاف در نظر می‌گیرد. برای مثال، در قضیه «مرز دریایی و زمینی میان کامرون و نیجریه» دیوان کامرون را ملزم می‌کند تا از هرگونه اعمال حاکمیت در مناطق مرزی میان «دریاچه چاد»<sup>۴</sup> تا «باکاسی پنینسولا»<sup>۵</sup> خودداری کند و نیروهای پلیس و نظامیان خود را از این مناطق خارج کند و نیجریه را نیز مکلف می‌کند تا از اعمال حاکمیت بر «باکاسی پنینسولا» که حاکمیت آن در نتیجه رأی دیوان به کامرون واگذار شده است، اجتناب کند.<sup>۶</sup> در چنین وضعیتی‌هایی، هر یک از طرف‌های اختلاف می‌تواند به صرف نقض تعهداتی که ضمن رأی دیوان بر

<sup>۱</sup> با این که شورای امنیت تاکنون تصمیمات دیوان را مورد بررسی ماهیتی قرار نداده، نحوه عمل دیوان در برخی قضایا این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که دیوان نسبت به بررسی قضایی تصمیمات شورا بی‌میل نیست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر. ک: موسوی و بذآر،

<sup>۲</sup> Charter of the United Nations, art. 92.

<sup>۳</sup> *proprio motu*.

<sup>۴</sup> Lake Chad.

<sup>۵</sup> Bakassi Peninsula.

<sup>۶</sup> Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria Equatorial Guinea intervening), I.C.J. Reports 2002, paras. 314-315.

عهده طرف دیگر گذارده شده است، به شورای امنیت مراجعه کند. البته، شاید تعیین منتفع از رأی دیوان در بدو امر و به هنگام مراجعه به شورا، با طرف مراجعه کننده باشد، اما بدون تردید نظر شورا در این خصوص تعیین کننده خواهد بود.

ماده ۹۴(۲) منشور ناظر به آراء ترافیعی دیوان است و اجرای نظریه‌های مشورتی دیوان - اگر علی‌الاصول قابلیت اجرا داشته باشند - ربطی به ماده مزبور ندارد؛ اما در قضایای ترافیعی از حیث اجرای ماده ۹۴(۲) منشور هیچ تمایزی میان نحوه ارجاع قضیه به دیوان وجود ندارد. از این رو حتی اگر دیوان در مقام مرجع تجدیدنظر از تصمیم دادگاه‌های اداری سازمان‌های بین‌المللی - مانند دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار - یا نهادهای اجرایی این سازمان‌ها - مانند شورای «ایکائو»<sup>۱</sup> - تصمیم‌گیری کرده باشد، مراجعه به شورای امنیت برای اجرای آراء امکان‌پذیر است؛ اما پرسشی که در این جا مطرح می‌گردد این است که اگر قواعد سازمان بین‌المللی مزبور، ساز کاری برای اجرای آراء دیوان پیش‌بینی کرده باشد، آیا توسل به ساز کار مزبور، پیش شرط توسل به شورا بر اساس ماده ۹۴(۲) منشور خواهد بود؟ با توجه به اختیار گسترده‌ای که برای شورای امنیت در خصوص بررسی درخواست‌های مبتنی بر ماده ۹۴(۲) و توصیه تدابیر یا اتخاذ تصمیمات در نظر گرفته شده است و مجازات‌های نسبتاً شدیدی که در برخی از سازمان‌های بین‌المللی درباره اجرای رأی دیوان وجود دارد،<sup>۲</sup> برای محکوم‌له مناسب‌تر است تا در چنین مواردی، ساز کارهای اجرای آراء دیوان در سازمان بین‌المللی مربوط را دنبال کند. فارغ از این که مقررات سازمان‌های بین‌المللی در خصوص اجرای آراء دیوان می‌تواند به‌عنوان یک «نظام خودبسنده»<sup>۳</sup> قلمداد شود که مراجعه اولیه به شورای امنیت را مستثنی می‌کند (Mosler & Oellers-Frahm, 2007, p. 1967)، در برخی موارد نیز توسل به ساز کارهای اجرای آراء دیوان در سازمان، پیش شرط توسل به شورای امنیت است. برای مثال، بر اساس پیمان «بوگوتا»<sup>۴</sup>، منتفعان از آراء دیوان پیش از مراجعه به شورای امنیت باید نشست مشورتی وزراء امور خارجه را ترتیب دهند تا در خصوص اقدامات مقتضی نسبت به اجرای رأی به توافق برسند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> International Civil Aviation Organization (ICAO).

<sup>۲</sup> برای مثال، کنوانسیون شیکاگو مجازات‌های شدیدی را برای دولت امتناع‌کننده از اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر گرفته است (ایزدی، ۱۳۹۵: ۲۰۰)، از جمله این که شورای ایکائو می‌تواند فعالیت شرکت‌های حمل و نقل در این کشورها را ممنوع کند یا مجمع ایکائو می‌تواند حق رأی دولت‌های خاطی را به حالت تعلیق درآورد (Chicago Convention on International Civil Aviation 1944, arts. 87-88).

<sup>۳</sup> Self-Contained System.

<sup>۴</sup> Bogota.

<sup>۵</sup> American Treaty on Pacific Settlement (Pact of Bogota) 1948, art. 50.

می‌توان پرسید که آیا برای اجرای دستور موقت دیوان نیز می‌توان با استناد به ماده ۹۴(۲) منشور به شورای امنیت مراجعه کرد یا این امکان تنها برای محکوم‌لئه رأی دیوان وجود دارد؟ ماده ۹۴(۲) از واژه «رأی» (Judgment) استفاده کرده و به نظر می‌رسد که انتخاب این واژه کاملاً آگاهانه بوده است. چراکه در بند قبلی این مقرر (بند نخست ماده ۹۴) که در خصوص لزوم تبعیت دولت‌های طرف اختلاف از دیوان است، واژه «تصمیم» (Decision) - که شامل رأی و دستور موقت می‌شود - به کار رفته است. دلیل دیگری که می‌توان در خصوص آگاهانه بودن انتخاب این واژه ذکر کرد، تغییر ارادی این مقرر در مقایسه با مقرر مشابه آن در میثاق جامعه ملل است. بدین معنی که مطابق ماده ۱۳ میثاق، شورای اجرایی جامعه می‌توانست علاوه بر آراء، نسبت به نقض دستور موقت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز اقدام نماید و در آن جا به صراحت به واژه (Award) و (Decision) اشاره شده که می‌توان آن را مشتمل بر دستور موقت نیز دانست.<sup>۱</sup> البته، شورای امنیت می‌تواند خارج از ماده ۹۴(۲) و بر اساس صلاحیت کلی خود مطابق ماده ۳۹ منشور، مسئله عدم اجرای دستور موقت دیوان را مورد توجه قرار داده و به طور غیرمستقیم در راستای اجرای دستور موقت دیوان اقدام کند. بهر حال، رویه شورا در قضیه «اعمال کنوانسیون منع نسل‌زدایی» برخلاف این نتیجه‌گیری بوده است و در تنها موردی که شورای امنیت در خصوص اجرای دستور موقت دیوان تصمیم گرفته (قضیه اعمال کنوانسیون منع نسل‌زدایی)<sup>۲</sup> شورا اقدام به صدور قطعنامه در این خصوص نموده است.<sup>۳</sup>

#### رویه شورای امنیت در مورد درخواست اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری

شورا نسبت به اقدام در خصوص درخواست اجرای آراء دیوان، دارای اختیار - نه تکلیف - است. این نتیجه‌گیری به آسانی از کلمه‌ها و عبارتهای مورد استفاده در ماده ۹۴(۲) منشور و به طور مشخص واژه «می‌تواند» (May) قابل استنباط است. پذیرش صلاحیت شورا در اقدام نسبت به اجرای آراء دیوان، منجر

<sup>۱</sup> مطابق ماده ۱۳ میثاق، شورای اجرایی جامعه ملل علاوه بر تصمیمات دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، می‌توانست به عدم اجرای آراء سایر دادگاه‌ها نیز بپردازد. البته، در تنها موردی که امتناع از اجرای یک رأی به شورای اجرایی ارجاع شد، شورا بسیار ناکارآمد جلوه نمود. در قضیه «فاریست رادوپ سنترال» که دولت یونان با استناد به ماده ۱۳ میثاق و با ادعای عدم اجرای رأی داوری صادره در سال ۱۹۳۳ میلادی به شورای اجرایی مراجعه نمود، شورا هیچ‌گونه اقداماتی را در راستای اثربخشی به رأی داوری پیشنهاد ننمود (Al-Qahtani, 2003, p. 184).

<sup>۲</sup> برای مطالعه تفصیلی در خصوص اقدام شورای امنیت در رابطه با دستور موقت دیوان در قضیه اعمال کنوانسیون منع نسل‌زدایی به بند ۲.۳ مراجعه کنید.

<sup>۳</sup> در قضیه «شرکت نفت ایران-انگلیس» که موضوع اجرای دستور موقت دیوان در شورای امنیت مطرح گردید، شورا هیچ تصمیمی نسبت به درخواست اجرای دستور موقت نگرفت و صرفاً تصمیم‌گیری را به بعد از تصمیم صلاحیتی دیوان موکول نمود.

به انجام مذاکرات میان دولت‌های عضو شورا می‌شود که انگیزه‌های سیاسی دارند<sup>۱</sup> و چنین صلاح‌حیددی با این واقعیت که شورا، مرجع اصلی اجرای آراء دیوان است، چندان سازگار نیست (Tanner, 2018, p. 15). افزون بر این، حتی اگر شورا درخواست مراجعه کننده به آن را بپذیرد، می‌تواند پس از بررسی، اقدامی متفاوت از اقدامات درخواست شده در رأی دیوان اتخاذ نماید (Kelsen, 1964, pp. 539-540)، یا حتی هیچ‌گونه اقدامی انجام ندهد.<sup>۲</sup> این نتیجه‌گیری نیز از عبارت «اگر شورا ضروری بداند»<sup>۳</sup> در ماده ۹۴(۲) قابل استنباط است. این اختیار گسترده شورا در خصوص بررسی درخواست‌های مبتنی بر ماده ۹۴(۲) با اصل لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها که یکی از اهداف اصلی منشور است،<sup>۴</sup> ناسازگار می‌نماید؛ به عبارت دیگر، هنگامی که منشور، دولت‌ها را از توسل یا تهدید به زور در روابط میان یکدیگر منع<sup>۵</sup> و آن‌ها را متعهد می‌کند که در حل و فصل کلیه اختلافات خود از شیوه‌های مسالمت‌آمیز استفاده نمایند، نباید با تضعیف سازکار اجرای آراء دیوان که یکی از شیوه‌های مؤثر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف است، طرق جایگزین توسل به زور را تضعیف نماید. با این حال، فارغ از این که آیا اختلاف میان دو دولت می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد یا خیر، نمی‌توان گفت که عدم اجرای تمامی آراء دیوان منجر به مخاطره افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود. بدون تردید عدم اجرای برخی از آراء که بار تعهداتی ناچیزی را برای طرف‌های اختلاف در نظر می‌گیرد، نمی‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیفکند. برای مثال، دیوان در قضیه «احمدو سادیو دیالو» دولت کنگو را محکوم به پرداخت ۹۵ هزار دلار می‌کند<sup>۶</sup> که قطعاً عدم اجرای این حکم نمی‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد؛

<sup>۱</sup> علاوه بر انگیزه‌های سیاسی اعضای شورای امنیت، شورا برخلاف دیوان شرایط خاص دولت محکوم علیه رأی را نیز در نظر می‌گیرد. برای مثال، ناتوانی مالی این دولت برای جبران خسارت مالی می‌تواند در اقدام شورا بر اساس ماده ۹۴(۲) منشور مورد توجه قرار بگیرد (Mosler & Oellers-Frahm, 2007, p. 1968).

<sup>۲</sup> برخی حقوقدانان از جمله «رابرت کولب» معتقدند که شورای امنیت می‌تواند در راستای صلح و امنیت بین‌المللی حتی تصمیم به تعلیق اجرای آراء دیوان بین‌المللی دادگستری بگیرد (Kolb, 2013, p. 852).

<sup>۳</sup> ..... if it deems necessary .....

متن اولیه ماده ۹۴(۲) که از سوی نماینده کوبا در کنفرانس سان فرانسسکو پیشنهاد شده بود، در نهایت با تغییر ادبیات الزام آور به ادبیات اختیاری در خصوص صلاحیت اقدام شورا مورد تصویب قرار گرفت (Pomerance, 1995, p. 195). بدین ترتیب که به پیشنهاد کمیته مشورتی حقوقدانان سان فرانسسکو، واژه "shall" با "may" جایگزین شد و عبارت "if it deems necessary" نیز به آن افزوده شد.

<sup>۴</sup> Charter of United Nations, art. 2(3).

<sup>۵</sup> Charter of United Nations, art. 2(4).

<sup>۶</sup> Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), I.C.J. Reports 2012, paras. 61(1),(2).



بنابراین، اقدام شورا نسبت به بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد درخواست‌های مبتنی بر ماده ۹۴(۲) منشور عالی‌الاصول با توجه به اهمیت رأی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود.

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا شورا برای اقدام بر اساس ماده ۹۴(۲) منشور، نخست باید یکی از وضعیت‌های مذکور در ماده ۳۹ منشور - «تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» و «عمل تجاوز» - را احراز نماید؟ به عبارت دیگر، آیا صلاحیت شورا نسبت به درخواست اجرای رأی دیوان محدود به اختیارات آن تحت منشور است؟ اگر لازم باشد که برای اقدام بر اساس ماده ۹۴(۲)، شورا وضعیت‌های ماده ۳۹ را احراز کند، ماده ۹۴(۲) خالی از فایده خواهد بود (Roscini, 2010, p. 338). بنابراین، شورا در ارائه پیشنهاد یا اتخاذ تصمیم به منظور اجرای آراء دیوان، نیازی به احراز وضعیت‌های مذکور در ماده ۳۹ ندارد. پاره‌ای از حقوق‌دانان بین‌المللی که معتقدند اختیارات شورا محدود به مواردی می‌شود که در منشور (ماده ۲۴(۲)<sup>۱</sup>) تصریح گردیده است، نتیجه‌گیری اخیر را رد می‌کنند (Al-Qahtani, 2003, p. 188).

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه «آثار حقوقی حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا» پاسخ مناسبی به استدلال این حقوق‌دانان می‌دهد. دیوان بیان می‌کند علاوه بر اختیارات پیش‌بینی شده در منشور، شورا مطابق بند نخست ماده ۲۴ دارای «اختیارات ضمنی عام» است که از مسئولیت اصلی شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نشات می‌گیرد.<sup>۲</sup> شورا در نوع اقداماتی که در راستای اجرای آراء دیوان می‌تواند انجام دهد نیز هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و هرگونه تدابیری از جمله موارد پیش‌بینی شده در مواد ۴۱ و ۴۲ منشور (فصل هفتم) را می‌تواند اتخاذ نماید و برای اتخاذ این تدابیر نیازمند احراز وضعیت‌های مذکور در ماده ۳۹ نیست. البته، به نظر نمی‌رسد که انجام اقدامات نظامی را بتوان در راستای اثربخشی به آراء دیوان به آسانی پذیرفت. چراکه با توجه به اهمیتی که منشور برای اصل ممنوعیت توسل به زور قائل شده است، باید استثناءهای آن را به صورت مضیق تفسیر نمود و در موارد تردید، به اصل ممنوعیت توسل به زور بازگشت (Couzigou, 2017, p. 375).

مسئله دیگر، نحوه رأی‌گیری شورا در موارد درخواست نسبت به اجرای آراء دیوان است. مطابق منشور سازمان ملل، تصمیمات شورای امنیت در موضوعات شکلی با اکثریت ۹ رأی اتخاذ خواهد شد و در سایر

<sup>۱</sup> بر اساس بند دوم ماده ۲۴ منشور سازمان ملل، صلاحیت‌های اعطائی به شورای امنیت برای انجام وظایفش، در فصول ۶، ۷، ۸ و ۱۲ منشور درج شده است. ماده ۹۴، در فصل ۱۴ منشور قرار دارد.

<sup>۲</sup> Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa), I.C.J. Reports. 1971, p.16.

موضوعات، رأی مثبت اعضاء دائم را نیز باید به همراه داشته باشد.<sup>۱</sup> البته، لزوم وجود آراء مثبت اعضاء دائم شورا در موضوعات غیرشکلی، در رویه شورا به نحو دیگری تبیین گردیده است. بدین ترتیب که صرف فقدان رأی منفی اعضاء دائم برای اتخاذ تصمیم کفایت می‌کند. در جلسه شورا در خصوص درخواست مبتنی بر ماده (۲)۹۴ منشور بدون تردید یک موضوع غیرشکلی مورد بحث است و اعمال حق و تو با هیچ مانعی مواجه نمی‌شود. قطعنامه ۲۶۷ مجمع عمومی ملل متحد که در سال ۱۹۴۹ صادر شد نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup> اما مسئله اصلی در حالتی ایجاد می‌شود که یکی از اعضاء دائم شورا طرف اختلاف رأی باشد که اجرای آن از شورا درخواست شده است. مطابق ماده ۲۷ (۳) منشور، اگر یکی از اعضاء شورا به طور همزمان طرف اختلافی باشد که در شورا مطرح شده و آن موضوع مربوط به فصل ششم منشور باشد، آن عضو باید از رأی دادن در خصوص آن موضوع امتناع کند. با این حال، هیچ اتفاق نظری در خصوص اعمال این مقرر به نسبت به موضوعاتی که بر اساس ماده (۲)۹۴ در شورا مطرح می‌شود، وجود ندارد؛ اما تردیدی نیست که استفاده از حق و تو در این خصوص فقط ناظر به موردی است که شورای امنیت در مقام اجرای رأی، قطعنامه‌ای صادر کند و چنانچه شورا به ارایه پیشنهاد اکتفا کند، حق و تو موضوعیت پیدا نمی‌کند. بهر حال، هنگامی که درخواست دولت نیکاراگوئه مبنی بر اجرای رأی دیوان در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه» بر اساس ماده (۲)۹۴ منشور به شورا داده شد، دفتر امور حقوقی ملل متحد که در حال تدارک جلسه شورا برای رسیدگی به این درخواست بود، این گونه اظهار نظر کرد که موضوع ارجاع شده به شورا بر اساس ماده (۲)۹۴، یک اختلاف نیست و ماده (۲)۹۴ متمایز از اختیارات و وظایف شورا بر اساس فصل ششم منشور است؛ بنابراین، هیچ یک از اعضاء شورا ممنوع از رأی دادن نیستند (Rosenne & Ronen, 2006, p. 283). با وجود تأیید این نتیجه‌گیری از سوی برخی حقوقدانان از جمله «کوزیگو» و «شولتی»، با توجه به برخی ملاحظات در چارچوب نظام ملل متحد نمی‌توان این نتیجه‌گیری را به طور مطلق پذیرفت (Couzigou, 2017, p. 375; Schulte, 2004, p. 55). نخستین ملاحظه این است که رأی دیوان به‌عنوان ارگان اصلی قضایی ملل متحد،<sup>۳</sup> تعهدی ناشی از منشور قلمداد می‌گردد که دولت‌های عضو ملل متحد موظفند که در صورت

<sup>۱</sup> Charter of United Nations, art. 27(2),(3).

<sup>۲</sup> مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۲۶۷ (III) که در ۱۴ آوریل ۱۹۴۹ صادر نمود، فهرستی از موضوعات شکلی را در خصوص رأی‌گیری در شورای امنیت ارائه نمود که اجرای آراء قضایی دیوان از طریق شورا در میان آنها وجود ندارد.

<sup>۳</sup> Charter of United Nations, art. 92.

مغایرت تعهدات ناشی از منشور با تعهداتشان در سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی، به تعهدات ناشی از منشور عمل کنند.<sup>۱</sup> وانگهی، شورا به‌عنوان رکن اصلی سازمان ملل باید در راستای تحقق اهداف منشور و هماهنگ با سایر ارکان سازمان گام بردارد و خودداری شورا از اجرای آراء دیوان با وظایف سازمانی شورا در تناقض است.

با این که در منشور ملل متحد، این اجازه به شورای امنیت داده شده است تا در صورت مراجعه محکوم‌له رأی دیوان، هرگونه اقدامی را که به صلاح می‌داند در راستای اجرای رأی دیوان انجام دهد، در موارد معدودی که این فرصت برای شورا ایجاد شده، شورا بسیار منفعّل عمل کرده است. در این جا قصد نداریم قضایایی همچون قضیه «مرز دریایی و زمینی میان کامرون و نیجریه»<sup>۲</sup> که در آن‌ها شورای امنیت صرفاً مکاتباتی را با دبیرکل در خصوص اجرای رأی دیوان داشته است، مورد بررسی قرار دهیم، بلکه به طور مشخص درباره قضایایی توضیح خواهیم داد که دولت منتفع از تصمیم دیوان با استناد به بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد و به منظور اجرای آن تصمیم به شورا مراجعه نموده است.

### قضیه شرکت نفت ایران-انگلیس

نخستین قضیه‌ای که در آن، محکوم‌له تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری که به صورت دستور موقت در ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۱ صادر شده بود، به شورای امنیت مراجعه نمود، قضیه «شرکت نفت ایران-انگلیس» بود. دولت ایران دستور دیوان را اجرا نکرد.<sup>۳</sup> بریتانیا ۷۹ روز پس از صدور دستور موقت دیوان، با ارسال نامه‌ای

<sup>۱</sup> Charter of United Nations, art. 103.

<sup>۲</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲ رأی خود در قضیه «مرز دریایی و زمینی میان کامرون و نیجریه» (ورود گینه استوایی به‌عنوان ثالث) را صادر و اعلام کرد که بر اساس آن، «باکاسی پنینسولا» (Bakassi Peninsula) تحت حاکمیت کامرون خواهد بود (Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria Equatorial Guinea intervening), I.C.J. Reports 2002, para. 325(III)(b)). در خصوص این قضیه دریافت کرد، اما هیچ اقدام مشخصی در این خصوص انجام نداد. البته، شورا از طریق دبیرکل به طور مرتب در جریان اقدامات کمیسیون مشترک کامرون-نیجریه که با توافق طرف‌ها ایجاد شده بود و در راستای اجرای رأی دیوان فعالیت می‌کرد، قرار می‌گرفت و در این خصوص، مکاتبات متعددی با دبیرکل انجام داد و حتی در نامه ۱۷ اکتبر ۲۰۰۶ خود به دبیرکل از قصد این شورا برای حمایت از کمیسیون مشترک از طریق تیم حقوقی ملل متحد و بودجه عمومی این سازمان خبر داد. کمیسیون مشترک کامرون-نیجریه، در نخستین نشست سران دولت‌های کامرون و نیجریه و به درخواست آن‌ها تشکیل گردید و ریاست آن با نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد بود. سرانجام در ۱۴ اوت ۲۰۰۸ رأی دیوان به طور کامل اجرا شد و کنترل کلیه مناطق «باکاسی پنینسولا» از نیجریه به کامرون منتقل گردید.

<sup>۳</sup> در ادبیات حقوقی به‌عنوان مثالی در خصوص لازم‌الاجرا نبودن دستور موقت دیوان همواره به اقدام دولت ایران در قضیه شرکت نفت ایران-انگلیس اشاره می‌شود و این که دولت ایران سنگ بنای عدم رعایت دستور موقت دیوان را گذاشت (محبی و بذّار، ۱۳۹۷: ۹۲).

به شورای امنیت از آن درخواست کرد تا موضوع امتناع ایران از اجرای دستور موقت را مورد بررسی قرار دهد.<sup>۱</sup> نماینده بریتانیا در جلسه رسیدگی شورا به این درخواست (نشست ۵۵۹ شورای امنیت (۱ اکتبر ۱۹۵۱)) استدلال می‌کرد صرف این که دستور موقت دیوان، تعهدات ناشی از منشور ایجاد می‌کند، اقدام شورا در مورد امتناع ایران از اجرای آن را توجیه می‌کند. به نظر بریتانیا، اقدام شورا نسبت به تصمیمات دیوان علاوه بر ماده (۲)۹۴ منشور، به ماده ۴۱ (۲) اساسنامه دیوان نیز مرتبط است؛ زیرا ممکن است وضعیت‌هایی وجود داشته باشد که اهمیت آن‌ها، اعمال اختیارات شورا تحت منشور را توجیه کند. لزوم اطلاع دستور موقت دیوان به شورا (ماده ۴۱ (۲) اساسنامه) تلویحاً اختیار شورا برای اقدام نسبت به مسائل ناشی از دستور موقت را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup> نماینده ایران در پاسخ بیان کرد با توجه به اعلامیه صلاحیت اجباری دیوان که در سال ۱۹۳۰ از سوی ایران صادر شده بود، دیوان صلاحیت رسیدگی به قضیه و به تبع آن، صدور دستور موقت را ندارد و ماده (۲)۹۴ ناظر به احکام دیوان است و شامل دستور موقت نمی‌شود.<sup>۳</sup> اما بریتانیا معتقد بود که صرف احراز صلاحیت «علی‌الظاهر»<sup>۴</sup>، موضوع را قابل رسیدگی کرده است.<sup>۵</sup> البته، این موضوع بعدها با تصمیم دیوان در قضیه «لاگران» حل شد و دیوان اعلام کرد که دستور موقت نیز لازم‌الاجرا است.<sup>۶</sup> به هر حال، در قضیه مزبور، بحث‌های متعددی میان دولت‌ها در این خصوص در گرفت که هنگامی که صلاحیت دیوان احراز نشده، چگونه تصمیم آن می‌تواند برای شورا ایجاد صلاحیت و اختیار نماید. در نهایت، پیشنهاد دولت فرانسه مورد پذیرش شورا قرار گرفت و بر مبنای آن، شورا بررسی موضوع را تا زمان تصمیم‌گیری دیوان در خصوص صلاحیت، تعلیق نمود.<sup>۷</sup> دیوان نیز در ادامه رسیدگی، رأی به عدم صلاحیت داد و در نتیجه، موضوع بررسی درخواست بریتانیا در شورا نیز منتفی شد.

<sup>1</sup> Letter dated 51/09/28 from the Deputy Permanent Representative of the United Kingdom addressed to the President of the Security Council and the Secretary-General (S/2357), pp. 1-2.

<sup>2</sup> 559th meeting of Security Council, p. 20.

<sup>3</sup> بر اساس آیین دادرسی که در زمان طرح قضیه نفت ایران-انگلیس در دیوان رعایت می‌شد، دیوان رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت را به همراه رسیدگی ماهیتی پیش می‌برد. در حالی که مطابق آیین دادرسی که امروزه در دیوان اجرا می‌گردد، دیوان به محض ثبت درخواست صدور دستور موقت، رسیدگی ماهیتی را متوقف کرده و پس از تصمیم‌گیری در خصوص درخواست مزبور، رسیدگی ماهیتی را از سر می‌گیرد.

<sup>4</sup> *prima facie*.

<sup>5</sup> 560th meeting of Security Council, p. 9; 559th meeting of Security Council, p. 20.

<sup>6</sup> LaGrand (Germany v. United States of America), I.C.J. Reports 2001, para. 109.

<sup>7</sup> 565th meeting of Security Council, pp. 2-3, 12.

### قضیه اختلاف‌های مرزی، دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس

رأی دیوان در قضیه «اختلاف‌های مرزی، دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس» (ورود نیکاراگوئه به‌عنوان ثالث) در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲ صادر شد.<sup>۱</sup> دولت السالوادور برخلاف هندوراس در نقشه‌های رسمی که پس از رأی دیوان منتشر کرد، از رعایت مختصات جغرافیایی که دیوان در تعیین مرزهای میان دو کشور در نقشه‌های ضمیمه شده به رأی خود اعلام کرده بود، امتناع نمود.<sup>۲</sup> هندوراس ۱۰ سال پس از صدور رأی با ادعای تأخیر غیرمعقول السالوادور در اجرای رأی دیوان که به‌طور مشخص در خصوص وضعیت حقوقی خلیج «فونسکا»<sup>۳</sup>، جزایر و مناطق دریایی واقع در اقیانوس آرام و ادعاهای السالوادور در مورد جزیره جدید در خلیج فونسکا بود، با استناد به ماده ۹۴(۲) منشور به شورای امنیت مراجعه نمود.<sup>۴</sup> در ادامه، هندوراس با ارسال نامه‌ای به رییس شورا اعلام کرد که طی توافق با السالوادور، فرآیند تحدید حدود مرز مشترک را مطابق رأی دیوان آغاز نموده است.<sup>۵</sup> توافق مزبور نیز نتوانست به اجرای کامل رأی سال ۱۹۹۲ دیوان بینجامد و نامه دوم هندوراس در خصوص عدم اجرای رأی در سال ۲۰۱۲ به شورا داده شد. در این نامه، هندوراس نارضایتی خود را نسبت به عدم اجرای رأی دیوان در خصوص آزادی کشتیرانی در حدفاصل سواحل هندوراس و «اقیانوس آرام»<sup>۶</sup> و تحدید حدود مناطق

<sup>1</sup> Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua intervening), I.C.J. Reports 1992.

در قضیه «اختلاف‌های مرزی، دریایی و سرزمینی میان السالوادور و هندوراس» درخواست دولت نیکاراگوئه برای ورود به دعوا به‌عنوان ثالث، مورد پذیرش دیوان قرار گرفت. همچنین، این قضیه یکی از ۵ قضیه‌ای بود که در تاریخ حیات دیوان، در شعبه دیوان مورد رسیدگی قرار گرفت. سایر قضایایی که چنین وضعیتی داشتند عبارتند از: قضیه اختلاف مرزی بورکینافاسو و مالی (سال ۱۹۸۶)، قضیه الزی (ایالات متحده علیه ایتالیا (سال ۱۹۸۹))، قضیه خلیج مین (سال ۱۹۸۴) و قضیه اختلاف مرزی (بنین علیه نیجر (سال ۲۰۰۵)).

<sup>2</sup> Letter dated 26 October 2012 from the Chargé d'affaires a.i. of the Permanent Mission of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, p. 4.

السالوادور در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۲، دادخواست مربوط به بازنگری رأی سال ۱۹۹۲ را در خصوص منطقه‌ای که شامل دهانه رودخانه «گواسکوران» (Goascoran) و جزیره «کونجو» (Conejo) می‌شد را در دیوان به ثبت رساند که دیوان با صدور رأی در سال ۲۰۰۳ اعلام نمود که این دادخواست قابل استماع نیست (Application for Revision of the Judgment of 11 September 1992 in the Case concerning the Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua intervening) (El Salvador v. Honduras), I.C.J Reports 2003).

<sup>3</sup> Fonseca.

<sup>4</sup> Letter dated 26 October 2012 from the Chargé d'affaires a.i. of the Permanent Mission of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, pp. 2,4.

<sup>5</sup> Letter dated 2003/04/08 from the Permanent Representative of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council (S/2003/430).

<sup>6</sup> Pacific Ocean.

دریایی («دریای سرزمینی»<sup>۱</sup>، «منطقه انحصاری اقتصادی»<sup>۲</sup> و «فلات قاره»<sup>۳</sup>) از سوی السالوادور اعلام می‌کند و از شورا می‌خواهد تا با کمک دبیرکل ملل متحد برای اجرای قسمت‌های اجرا نشده رأی دیوان اقدام نماید.<sup>۴</sup> این دولت حتی برخی اقداماتی که شورا می‌تواند در این راستا انجام دهد را پیشنهاد می‌کند. هندوراس پیشنهاد می‌کند که شورا به دبیرکل ملل متحد اجازه تام دهد تا مساعدت‌های لازم را در خصوص ادامه نظام حاکمیت مشترک بر خلیج «فونسیکا»<sup>۵</sup> با توجه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی این خلیج به کمیسیون سه جانبه هندوراس و السالوادور و نیکاراگوئه ارائه دهد و این نظام حاکمیت مشترک باید شامل آزادی کشتیرانی در وسیع‌ترین سطح، امنیت و سلامت، توسعه زیرساخت بنادر، حفظ خطوط کشتیرانی، توسعه گردشگری، امنیت افراد و اموال آن‌ها و سلامت جان افراد در دریا باشد.<sup>۶</sup>

پس از عدم اقدام شورا نسبت به درخواست هندوراس، این کشور نامه سوم خود را در سال ۲۰۱۳ به شورا ارسال نمود. در این نامه، هندوراس پس از یادآوری دو نامه قبلی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ اعلام می‌کند که علی‌رغم گذشت ۲۱ سال از زمان صدور رأی دیوان، دولت السالوادور از شناسایی حق دولت هندوراس در تحدید حدود مناطق دریایی این دولت در اقیانوس آرام که دیوان به آن حکم کرده بود، امتناع می‌کند.<sup>۷</sup> هندوراس از شورا می‌خواهد تا بر اساس ماده (۲)۹۴ منشور، قطعنامه‌ای صادر نماید و ضمن ملزم نمودن طرف‌های اختلاف به اجرای رأی دیوان، از اختلاف غیرضروری در خلیج فونسیکا پیشگیری نماید.<sup>۸</sup> شورا نسبت به این نامه نیز عکس‌العملی نشان نداد و هندوراس نیز از پیگیری بیشتر خودداری نمود.

#### قضیه بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونتنگرو

<sup>1</sup> Territorial Sea.

<sup>2</sup> Exclusive Economic Zone.

<sup>3</sup> Continental Shelf.

<sup>4</sup> Letter dated 26 October 2012 from the Chargé d'affaires a.i. of the Permanent Mission of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, p. 3.

<sup>5</sup> Fonseca.

<sup>6</sup> Letter dated 26 October 2012 from the Chargé d'affaires a.i. of the Permanent Mission of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, p. 3.

<sup>7</sup> Letter dated 20 November 2013 from the Permanent Representative of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, para. 4.

<sup>8</sup> Letter dated 20 November 2013 from the Permanent Representative of Honduras to the United Nations addressed to the President of the Security Council, paras. 6-7.

بوسنی هرزگوین در ۲۰ مارس ۱۹۹۳ میلادی دعوی را علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمود و همزمان از دیوان درخواست صدور دستور موقت کرد. این دستور، ۱۸ روز بعد (۸ آوریل) از سوی دیوان صادر گردید.<sup>۱</sup> دولت بوسنی هشت روز پس از صدور دستور موقت با ارسال نامه‌ای از شورای امنیت درخواست کرد تا در راستای اجرای دستور موقت و بر اساس ماده (۲)۹۴ منشور، تدابیر فوری را به منظور توقف حمله به بوسنی هرزگوین اتخاذ نماید.<sup>۲</sup> عکس العمل شورا نسبت به این درخواست بسیار عجیب و برخلاف رویه متداول آن بود. شورا در همان روز دریافت نامه دولت بوسنی که نشست ۳۱۹۹ آن برگزار شد، قطعنامه ۸۱۹ را بر اساس فصل هفتم منشور صادر کرد. شورا ضمن این که در مقدمه قطعنامه، دستور موقت دیوان که با اتفاق آراء قضات دیوان صادر شده بود را مورد اشاره و تأکید قرار داد، در متن قطعنامه از دولت خوانده خواست تا فوراً به تأمین تجهیزات و تسلیحات نظامی صرب‌های بوسنی خاتمه دهد.<sup>۳</sup> شورا به قطعنامه ۸۱۹ اکتفا نکرد و در نشست فردای صدور قطعنامه مزبور، قطعنامه جدیدی را بر اساس فصل هفتم منشور و با مضمون اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه دولت خوانده صادر نمود.<sup>۴</sup> بوسنی که کماکان مدعی عدم اجرای دستور موقت دیوان بود، حدود سه ماه بعد از اقدامات شورا، درخواست صدور دستور موقت دیگری را از دیوان می‌کند. دیوان به این درخواست بوسنی هم پاسخ مثبت می‌دهد و ضمن صدور دستور موقت ۱۳ سپتامبر تأکید می‌کند که تدابیر اتخاذشده در دستور نخستین باید به صورت فوری و مؤثر اجرا شود.<sup>۵</sup> پس از صدور دستور موقت دوم، بوسنی تصمیم گرفت تا مسیری را دنبال کند که پس از صدور دستور موقت نخست طی نموده بود و بر این اساس، با ارسال نامه‌ای به رییس شورای امنیت درخواست نمود تا این شورا بر طبق ماده (۲)۹۴ منشور، تدابیر لازم برای اجرای دستور اخیر دیوان را اتخاذ نماید. شورا برخلاف مورد قبل، در مورد این درخواست بوسنی هیچ اقدامی انجام نداد.

<sup>۱</sup> Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia (Serbia and Montenegro) Provisional Measures, Order of 8 April 1993, I.C.J. Reports 1993, para. 52.

<sup>۲</sup> Letter dated 93/04/16 from the Permanent Representative of Bosnia and Herzegovina to the United Nations addressed to the President of Security Council (S/25616).

<sup>۳</sup> S/RES/819, 16 April 1993, para. 3.

<sup>۴</sup> S/RES/820, 17 April 1993.

<sup>۵</sup> Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia (Serbia and Montenegro)), Provisional Measures, Order of 13 September 1993, I.C.J. Reports 1993, p. 349.

### قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه

اما مهمترین نمونه در خصوص توسل به ماده ۹۴(۲) منشور، مراجعه دولت نیکاراگوئه به شورای امنیت با هدف وادار نمودن ایالات متحده آمریکا به اجرای رأیی بود که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه» صادر نموده بود. رأی ۲۸ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان، ضمن رد ادعای ایالات متحده در خصوص «دفاع مشروع جمعی» و اعلام نقض عهدنامه مودت میان این دو کشور، تصریح می‌کند که این کشور تعهدات بین‌المللی خود در مورد عدم استفاده از زور، عدم نقض حاکمیت و مداخله در امور داخلی سایر دولت‌ها را نقض نموده و آمریکا ملزم است تا علاوه بر توقف فوری اقداماتی که منجر به این نقض‌ها شده است، نسبت به «جبران» نقض عهدنامه مودت و تعهدات عرفی خود اقدام نماید.<sup>۱</sup> نیکاراگوئه تقریباً چهار ماه پس از صدور این رأی، در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۶ نامه‌ای به شورای امنیت ارسال کرد و با استناد به ماده ۹۴(۲) منشور از شورا درخواست نمود تا جلسه اضطراری به منظور بررسی مسئله امتناع آمریکا از اجرای رأی تشکیل دهد.<sup>۲</sup>

دستور کار جلسه ۲۷۱۵ شورا (۲۱ اکتبر) به این موضوع اختصاص یافت. در این جلسه وزیر امور خارجه نیکاراگوئه ضمن اشاره به ادامه رفتارهای غیرقانونی آمریکا پس از صدور رأی، اعلام کرد که اگر شورا در مقابل آمریکا عکس‌العمل مناسبی نشان ندهد، جامعه بین‌المللی شاهد ناکارآمدی شیوه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و توسل به زور به‌عنوان یک اقدام معتبر در روابط بین‌الملل خواهد بود. به همین دلیل، تأکید بر تعهدات ناشی از رأی دیوان، حائز اهمیت فراوانی برای شورای امنیت، سازمان ملل متحد و کلیت جامعه بین‌المللی خواهد بود؛ در واقع، اگر به ایالات متحده اجازه داده شود تا تعهدات ناشی از منشور را ضمن «بی‌کیفرمانی»<sup>۳</sup> نادیده بگیرد، آینده سازمان ملل به طور جدی به مخاطره خواهد افتاد.<sup>۴</sup> پیش‌نویس قطعنامه‌ای که ایالات متحده را ملزم به رعایت فوری و کامل رأی دیوان می‌کرد و دبیرکل ملل متحد را مسئول اطلاع‌رسانی به شورا در خصوص اجرای قطعنامه می‌نمود، از سوی پنج دولت عضو شورا (کنگو، غنا، ماداگاسکار، ترینیداد و توباگو و امارات متحده عربی) تهیه و برای رأی‌گیری در شورا ارائه

<sup>۱</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), I.C.J. Reports 1986, para. 292(2)-(5),(7),(10)-(14).

<sup>۲</sup> Letter dated 86/10/17 from the Permanent Representative of Nicaragua to the United Nations addressed to the President of the Security Council (S/18415).

<sup>۳</sup> Impunity.

<sup>۴</sup> Letter dated 86/10/17 from the Permanent Representative of Nicaragua to the United Nations addressed to the President of the Security Council (S/18415).



گردید. این قطعنامه با ۱۱ رأی موافق، ۳ رأی ممتنع و یک رأی مخالف از سوی اعضای شورا مواجه شد؛ اما تنها به این سبب که از سوی یکی از اعضای دائمی شورا (آمریکا) و تو شد، مورد تصویب قرار نگرفت.

### نتیجه‌گیری

در هر سازمان بین‌المللی، ارکان سازمان باید در راستای اهداف آن سازمان عمل کنند. سازمان ملل متحد نیز از این قاعده مستثنی نیست. از مهم‌ترین اهداف سازمان ملل، جلوگیری از بروز جنگ و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است<sup>۱</sup> که بدین منظور، منشور ملل متحد اصل ممنوعیت توسل به زور را به‌عنوان یکی از اهداف خود پذیرفته و دولت‌ها را متعهد نموده تا در روابط میان خود از شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی از جمله مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری و رسیدگی قضایی استفاده کنند.<sup>۲</sup> در این میان، مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری که آراء نهایی و الزام آور برای طرف‌های اختلاف صادر می‌کند، یکی از مؤثرترین روش‌ها قلمداد می‌شود. منشور نیز علاوه بر ضمیمه نمودن اساسنامه دیوان، با پیش‌بینی ترتیباتی برای اجرای آراء آن، بر اهمیت آن تأکید نموده است. بر اساس ترتیبات مزبور، منتفع از رأی دیوان می‌تواند راجع به امتناع محکوم‌علیه از اجرای رأی دیوان به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند؛ اما در عمل، در موارد معدودی که این درخواست در شورا مطرح شده، شورا منفعل عمل نموده و رأی دیوان عملاً از این طریق به اجرا در نیامده است. بهر حال، با توجه به صلاحدید و اختیار گسترده‌ای که شورا در بررسی درخواست‌های مبتنی بر ماده ۹۴(۲) منشور و اتخاذ تدابیر در راستای اجرای آراء دیوان دارد، مراجعه به شورا را نمی‌توان به‌عنوان یک ابزار کارآمد در اجرای آراء دیوان قلمداد نمود، به خصوص زمانی که منافع یکی از اعضای دائمی شورا به واسطه این بررسی در خطر باشد.

در نظام ملل متحد، شورای امنیت به‌عنوان مسئول اولیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌شود که باید در راستای اهداف سازمان عمل کند؛ اما نحوه عمل شورا نسبت به درخواست‌های ارائه شده به آن بر اساس ماده ۹۴(۲) منشور با هدف والای سازمان که توسل به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بجای توسل به زور در روابط بین‌الملل می‌باشد، سازگار نیست. ابهام در رویه عملی شورای امنیت و احتیاط و محافظه کاری شورا می‌تواند از علل شیوه رفتار شورا در اجرای ماده ۹۴(۲) منشور باشد؛ اما دیوان و شورا هر دو از ارکان ملل متحدند. بهر حال، عدم اجرای آراء دیوان از طریق شورا ممکن است به ناکارآمدی دیوان که هدف اصلی آن حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است، دامن زند و این، با هدف والای سازمان ملل و به

<sup>۱</sup> Charter of United Nations, preamble & art. 1(1).

<sup>۲</sup> Charter of United Nations, art. 33.

طور مشخص لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بجای توسل به زور در روابط بین‌الملل در تعارض است. پیشنهادی که به نحو مناسبی می‌تواند کاربردی باشد، تغییر رویه شوری امنیت در جهت تضمین اجرای آراء دیوان است. چراکه این اختیار به لحاظ حقوقی برای شورا در نظر گرفته شده است و تنها کافی است که شورا با عزم جدی برای انجام این مهم اقدام کند و تکرار آن در فرصت‌های ایجادشده در جهت ایجاد رویه‌ای در این خصوص تلاش کند. تغییر رویکرد دیوان در استفاده از اختیارات خود طبق ماده ۷۸ آیین دادرسی و تکرار آن در قضایای بعدی می‌تواند راهنمای مناسبی برای شورا در طی این مسیر باشد. بر اساس ماده ۷۸ آیین دادرسی، دیوان می‌تواند از مخاطب دستور موقت خود بخواهد تا اطلاعات مربوط به اقداماتی که در راستای اجرای دستور موقت انجام داده است را به دیوان ارائه کند. این مقرر که ظرفیت بالایی در تضمین اجرای دستور موقت دیوان دارد، تا قبل از قضیه «نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت» چندان مورد توجه دیوان قرار نگرفته بود. دیوان در این قضیه با ارسال نامه‌ای به ایالات متحده آمریکا از این دولت خواست تا حداکثر ظرف مدت ۴۸ روز، اقداماتی را که به منظور اجرای دستور موقت سوم اکتبر ۲۰۱۸ انجام داده است را به دیوان اعلام کند.<sup>۲</sup> این در حالی است که در ماده ۷۸ هیچ مطلبی در خصوص محدوده زمانی ذکر نگردیده است. دیوان این رویکرد خود را در قضیه «اعمال کنوانسیون نسل زدایی» به صورت آشکارتر و الزام‌آورتری تکرار می‌کند و این بار در متن دستور موقت ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ و به اتفاق آراء قضات خود دولت میانمار را ملزم می‌کند تا ظرف چهار ماه از زمان صدور دستور موقت گزارشی در خصوص کلیه تدابیری که به منظور اجرای دیوان انجام داده را به دیوان ارائه کند و پس از آن هر شش ماه یکبار تا زمان صدور رأی نهایی دیوان چنین گزارشی را به دیوان ارائه کند.<sup>۳</sup>

## References

Al-Qahtani, M. M. (2003). *Enforcement of International Judicial Decisions of the International Court of Justice in Public International Law*, PHD thesis, University of Glasgow.

<sup>۱</sup>. Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), order of 3 October 2018.

برای مطالعه بیشتر دستور موقت سوم اکتبر ۲۰۱۸ دیوان در قضیه «نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت» رک: محبی و بڈار، ۱۳۹۹: ۲۷۴-۲۵۵.

<sup>۲</sup>. <https://www.irna.ir/news/83259705>.

<sup>۳</sup>. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), I.C.J. Reports 2020, Order 30 January 2020, para. 86(4).

- Couzigou, I. (2017). *Enforcement of UN Security Council Resolutions and of ICJ Judgment: The Unreliability of Political Enforcement Mechanisms*, The Enforcement of EU Law and Values: Ensuring Member States' Compliance, edited by Andras Jakab, Dimitry Kochenov, Oxford University Press, 363-378.
- Izadi, A. (2016). *Historical and Analytical Examination of Enforcement of ICJ Judgments*, International law review, 33(54). 191-218. (in Persian)
- Kelsen, H. (1964). *The law of the United Nations: a critical analysis of its fundamental problems*, Praeger.
- Kolb, R. (2013). *The International Court of Justice*, Hart publishing.
- Mohebi, M., & Bazzar, V. (2018). *Assessing US Objections to the Interim Order in the Alleged Violations of the Treaty of Amity*, Public law studies quarterly, 50(1). 255-274. (in Persian)
- Mohebi, M., & Bazzar, V. (2018). *Provisional Measures (Interim Order) of the International Court of Justice: Binding or Recommendation? Look again at the International Court of Justice's Ruling on the Case of the LaGrand Brothers*, Judgment quarterly, 18(95). 91-115. (in Persian)
- Mosler, H., & Oellers-Frahm, K. (2007). *Article 94*, The charter of the United Nations: a commentary (Vol. II). edited by Bruno Simma and Daniel-Erasmus Khan and George Nolte and Andreas Paulus, Oxford university press, 1957-1971.
- Mousavi, S. F., & Bazzar, V. (2016). *Judicial Control of International Courts on the United Nations Security Council*, International law review, 33(54). 59-90. (in Persian)
- Pomerance, M. (1995). *The United States and the world court as a 'supreme court of the nations': dreams, illusions and disillusion*, Martinus nijhoff publishers.
- Roscini, M. (2010). *The United Nations Security Council and the Enforcement of International Humanitarian Law*, Israel law review, 43, 330-359.
- Rosenne, S., & Ronen, Y. (2006). *The law and practice of the International Court 1920-2005 (Volume I: the court and the United Nations)*. Koninklijke brill NV.
- Schulte, C. (2004). *Compliance with decisions of the International Court of Justice*, Oxford university press.
- Tanner, L. (2018). *The settlement of international disputes by means of adjudicative*, bachelor's thesis, Tallinn university of technology.

---

Tanzi, A. (1995). *Problems of Enforcement of Decisions of the International Court of Justice and the Law of the United Nations*, European journal of international law, 6, 539-572.